**باب هفتاد و دوّم**

در نهی از تقيّه و کتمان عقيده

حضرت ولی امراللّه جلّ سلطانه ميفرمايند قوله الاحلی: (استخراج از لوح مبارک مورّخه ٩ نومبر ١٩٢٧)

"چندی قبل تلغرافی از ارض اقدس بعنوان آنمحفل نورانی ارسال گرديد و در آن تأکيد گرديد که راجع بسجلّ احوال و قيد مذهب و آئين احبّای الهی در تمام نقاط امريّه در آن سرزمين اگر چنانچه مجبور و مکلّف بر تعيين و قيد مذهب گردند البتّه کتمان ننمايند و بتظاهر و تصنّع متشبّث نشوند عقيده خويش را در کمال جرأت و وضوح اظهار نمايند و از عواقب و نتايج بيان حقيقت و ابراز ما فی‏الضّمير خائف و نگران نشوند. البتّه بعموم ياران تأکيد و توصيه نمايند تا از صراط مستقيم حقيقت و رشاد منحرف نگردند و بر حفظ مصالح امريّه و صيانت رفعت و منزلت امرالله و اعزاز کلمةاللّه موفّق و مفتخر گردند. مداهنه و مسامحه در اين موارد مخلّ در نظام امرالله و علّت توهين و تحقير دين ‏اللّه گردد و توليد مشاکل متنوّعه عظيمه در آينده نمايد. قوّه قلب و حزم و صراحت و متانت و مشورت تامّ اين ايّام از لوازم ضروريّه و از صفات ممدوحه و شيم مرضيّه اهل بها محسوب. نفس اقدام و اثبات شهامت و بسالت در اينمقام جالب تأييدات قويّه ربّ الانام است کافل سعادت و صيانت يارانست و ممهّد سبيل از برای نجات و استخلاص بندگان حضرت رحمن. آنچه را ياران بآن مأمورند و فروض حتميّه که در الواح و صحف الهيّه مصرّح و مؤکّد است اگر اجرا شود شبهه‏ئی نبوده و نيست که اسباب غيبيّه بمشيّت مالک البريّه محض صيانت ياران و تأمين و حفاظت شريعت مولای عالميان چنان فراهم گردد و موانع حاليه را مرتفع نمايد که ياران و مؤمنان خود مبهوت و متعجّب و حيران گردند. پس توکّل و تفويض و اطمينان و ثبات و تمسّک بآنچه لوازم ضروريّه اين ايّام است لازم و واجب تا از پس پرده قضا جنود لم تروها بعرصه شهود قدم گذارند و بنصرت و حمايت و تقويت اينجمع مظلوم پردازند."

و نيز ميفرمايند:

"عقيده کتمان ننمايند و از تقيّه اجتناب بنمايند از پس پرده خفا برون آيند و قدم بميدان خدمت گذارند مضطرب و هراسان نباشند و بجانفشانی قيام نمايند هر امري را فدای اين مقصد اصلی کنند و در سبيل اين مبدأ جليل و امر قويم از هر منصب و مقامی چشم پوشند و مصالح شخصيّه و ملاحظات نفسيّه را فدای مصالح عموميّه امريّه فرمايند. حکمت و تقيّه در گذشته ايّام کافل صون و حمايت مظلومان آنسامان بود و يگانه وسيله حفظ و حراست آئين حضرت يزدان ولی در اين ايّام چون اعدای امر الهی و دشمنان آئين آسمانی برقع ستر و خفا را از وجه حقايق امريّه برانداخته‌اند و معتقدات اساسيّه اهل بهاء را کاملا مکشوف و مشتهر ساخته‌اند و باثبات استقلال شرع حضرت بهاءاللّه پرداخته‌اند و باين سبب نبأ عظيم را در اقطار و اکناف عالم معروف و مشهور نموده‌اند تقيّه و کتمان عقيده علّت توهين و تحقير است و در انظار اهل فراست بيمورد و مضرّ. مخالفين و معاندين اين رويّه را حمل بر جبن و خوف نمايند و از تأثيرات سستی عقيده شمرند استحلفکم يا احبّاء اللّه ببذل الجهد الجهيد و القيام علی هذا الأمر الاوعر الخطير و التمسّک بهذا الحبل المتين و السّلوک في هذا المنهج القويم جعلکم اللّه رايات نصره و مصابيح هدايته و مشاعل حبّه و مطالع اقتداره فی بلاده."

و در لوح جناب ثابت شرقی مورّخ ١۵ شهر الجلال ٩١ مطابق ٢٣ اپريل ١٩٣۴ ميفرمايند قوله الاحلی:

"سؤال ثالث در خصوص کتمان عقيده در نقاطيکه بهائی غير موجود معروض داشته بوديد . جواب فرمودند کتمان عقيده حتّی در اينمورد مذموم و مخالف مبادی اين امر است."

الواح الهيّه در اينخصوص بسيار و کمتر لوحی توان يافت که در اين خصوص شامل اشاره يا صراحتی نباشد. برای مزيد اطّلاع بنصوص مبارکه مراجعه شود.